

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزارها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
هر محنتی که بر سر ما میکنی بکن
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
دیدم به پایداری من کس نمیرسد
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
با تو قمار عشق زدم، پاک باختم
پای امیدواری ما پر ز آبله ست
دل هم ز عشق بازی من سینه چاک شد
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
شب تا سحر به آتش غم گریه میکنی
عشاق را ز بس که بدآموز کرده ای
نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت

ای صد هزار کشته فدای تو بارها
ما را به زلف خم به خم توست کارها
تاکی غم فراق کشم با فشارها
نی دست گفت و گوشت، نه پای فرارها
جای تو تا به عرش بود با وقارها
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
تاراج محنت تو شد این ملک بارها
آخر چه کار بود مرا با قمارها
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
میگفتمش ز عاقبت کار و بارها
رفته ز دست، مرتبه اعتبارها
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
قانع نمیشوند به بسوس و کنارها
این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ربوده است

باشد «اسیر» در صف شب زنده دارها

(شهر بن - المان - آگست ۱۹۹۹)